

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۰۹ می ۲۰۱۷

## چرا باید زنان ایرانی در انتخابات ریاست جمهوری حکومت اسلامی شرکت کنند؟!

انتخابات ریاست جمهوری در ایران با کمترین میزان طرح مطالبات جامعه زنان کشور از زبان کاندیداها در حال برگزاری است با این حال، همین فرصت هم بهانه‌ای برای طرح مطالبات زنان در فضای جامعه و شبکه‌های اجتماعی شده است. اما با این وجود باید مواظب بود که به ابزار و سیاهی لشکر مضحکه به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری حکومت اسلامی و جناح‌های رنگارنگ آن تبدیل نشد. چرا که این حکومت نزدیک به چهل سال است زنان آزاده ایران را بی‌وقفه و به‌طور سیستماتیک سرکوب کرده و می‌کند.



سخنگوی شورای نگهبان گفت: «زنان می‌توانند در انتخابات آینده ریاست جمهوری به‌عنوان نامزد ثبت‌نام کنند ولی موضوع رجل سیاسی در شورای نگهبان هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است.»  
عباسعلی کدخدائی، چندی پیش در پاسخ به این سؤال که با توجه به این که هنوز موضوع رجل سیاسی مشخص نیست آیا زنان می‌توانند در انتخابات آینده ریاست جمهوری نامزد شوند، گفت: «زنان حتماً می‌توانند ثبت نام کنند ولی بحث رجل سیاسی در شورای نگهبان هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است و به محض این که به نتیجه برسیم آن را اعلام خواهیم کرد.»

رسانه‌ها در ایران، انتشار تصاویری از زنانی را که با پوشش‌های نامتعارف و با ژست‌های مختلف در برابر دوربین‌های آن‌ها ظاهر شدند، ترجیح می‌دادند.

در حالی که ثبت‌نام چندین کاندیدای زن برای انتخابات، اولاً اهمیت ندارد چون که ظاهراً همه می‌توانند در وزارت کشور ثبت‌نام کنند اما مه آن است که شورای نگهبان همه نامزدها از جمله همه زنان ثبت نام کرده را حذف می‌کند و تنها چند نفر از عناصر اصلی و سرشناس خود را با یکی دو نفر بازرگرم کن انتخابات باقی می‌گذارد و در واقع از مردم می‌خواهند به انتخاب حکومت، رای مثبت دهند و در واقع نقش مردم نقش سیاهی لشکر و تبلیغاتی است. بنابراین بمنظرم، نه تنها هیچ زن و مرد آگاهی وارد این معرکه‌گیری حکومت جهل و جنایت و ترور و آپارتاید جنسی نمی‌شود، بلکه اجازه نمی‌دهد با حضور بر سر صندوق‌های رای، از او به عنوان بازرگرم دست چنم و سیاهی لشکر استفاده کنند. به عبارت دیگر، هرگونه رای دادن به نهادهای مختلف حکومت اسلامی، رای به سرکوب و اختناق، سانسور و زندان، شکنجه و اعدام، فقر و استثمار و رای به آپارتاید جنسی و فاشیسم مذهبی و مردسالاری است. از این رو، سزاوار نیست زنان کاندیدا شوند، رای دهند و قوانین و سیاست‌های سرکوب سیستماتیک خود را بقا بخشند!

زن در همه مذاهب، به‌ویژه در اسلام، انسان درجه دو است باید تابع انسان درجه یک، که همان مرد است، باشد. حالاً چه در عرصه خصوصی باشد و چه در عرصه عمومی در قالب دولت و پست و مقام. یعنی زنی که پست و مقام و موقعیتی دارد به ناچار باید در مقام تصمیم‌گیری، از تصمیم‌گیری مردان تبعیت کند.

این دیدگاه نزدیک به چهار دهه است که در حکومت اسلامی ایران از بالا تا پایین وجود دارد. از همان زمانی که خمینی فرمان حجاب بر زنان را در همان اولین بهار آزادی پس از انقلاب صادر کرد، سهم زنان ایران از انقلاب، جر پذیرش آپارتاید جنسی و مردسالاری راه دیگری نداشته‌اند. البته زنان و مردان مساوات‌طلب در این چهار دهه از هر فرصتی استفاده کرده و مخالفت خود را سرکوب سیستماتیک زنان و مردسالاری بیان کرده‌اند و برای تحقق آزادی و برابری جنسیتی مبارزه می‌کنند. خود زنان در حوزه‌های مختلفی چون تحصیلات آکادمیک و عرصه فرهنگی و هنری پیشرفت‌های چشم‌گیری به‌دست آورده‌اند.

به علاوه بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که درصد حضور زنان در شوراهای و مجلس، همواره رو به کاهش است و سهم زنان در بازار کار نیز حدود ۱۲ تا ۱۳ درصد است.



در شبکه‌های مجازی تصویر و ویدئویی از یک زن داوطلب ریاست جمهوری منتشر شده که معترض است و توسط نیروی انتظامی به بیرون از وزارت کشور رانده می‌شود.

وی در ویدئوی منتشر شده، می‌گوید: «در یک مؤسسه مجاز سرمایه‌گذاری کرده‌ام؛ مؤسسه اعتباری کاسپین. نیامده‌ام رئیس جمهور بشوم. تکلیف ما چیست؟ پنج ماه است که نه پول ما را می‌دهند، نه سپرده‌ها را و نه سودش را. یعنی چی؟ روحانی بعد از شش ماه به ما چی گفت؟ بچه من به طرفداری از مادرش رئیس جمهور می‌شود. شرط سنی هم ندارد. اصلاً خودم می‌خواهم رئیس جمهور بشوم.»

این نوع اعتراضات صحنه دیگری را به نمایش می‌گذارد و آن هم بی‌اهمیت شمردن مقام ریاست جمهوری در ایران و مسخره کردن آن. رئیس جمهوری که به گفته خاتمی قاطرچی است!

\*\*\*

اما اخیراً امیلی گرفتم که در آن مطلب زیر به نام «امضاء محفوظ» آمده بود به نظرم گزارش جالبی آمد و قبلاً نیز دوره‌های انتخاباتی چنین تصاویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بودند. تصاویر لات‌ها و خانم‌های شیک و پیک آرایش کرده و مو رنگ زده و بیرون ریخته با عکس‌های خمینی و خامنه‌ای و نامزدهای ریاست جمهوری و...

### خواهران اجاره‌نی یا کرایه‌نی کیستند؟

خیلی کنجکاو بودم بدانم این خواهران کرایه‌نی دارای چه شخصی هستند؟ چگونه و توسط چه نهادها و سازمان‌هایی به کارگیری می‌شوند؟ چقدر دستمزد می‌گیرند؟ از چه قشر و طبقه اجتماعی و اقتصادی هستند؟

برای همین به سراغ برادر شوهر خواهرم که در پولیس اطلاعات و امنیت عمومی قاتب (فرماندهی انتظامی تهران بزرگ) شاغل است رفتم.

بعد از گفتگویی کوتاه چند تا از عکس‌های این خواهران کرایه‌ای را (که در گوشی موبایلم بود) به ایشان نشان دادم و پرسیدم جریان این‌ها چیست؟

لبخندی زد و گفت: می‌خواهی ازدواج کنی؟ گرفتم اولاً نه، ثانیاً خدا نکند روزی بخواهم با چنین افرادی (از نظر شخصیتی) ازدواج کنم. فقط می‌خواستم بدانم این‌ها با این سر و وضع چطور در این مراسم‌ها شرکت می‌کنند؟! و علی‌رغم تضادهای ظاهری که با حکومت دارند، از حکومت طرفداری می‌کنند؟! ایشان گفتند: ما به این‌ها می‌گوئیم خواهران پورسانتی! یا مأمور دو صفر ول!

اکثر این زنان و دختران به جرم‌هایی مثل فرار از خانه، اعتیاد به مواد مخدر، روسپی‌گری، سرقت و... دستگیر می‌شوند و بعد از تشکیل پرونده و تحقیقات مقدماتی و سپس داسرا و صدور حکم در دادگاه، به زندان و بندهای مربوط به نسوان (زنان) فرستاده می‌شوند.

در زندان از بین این زنان، افرادی را که دارای تحصیلات و ضریب هوش بالاتر هستند و یا پیش‌بینی می‌شود بعد از آزادی دوباره به کارهای خلاف روی آورند شناسائی و به آن‌ها پیشنهاد همکاری داده می‌شود، که بعد از آزادی از زندان برای نهاد مربوطه (وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، پولیس آگاهی، و پولیس امنیت و...) کار کنند، و اکثر این زنان هم این پیشنهاد را قبول می‌کنند، چون هم خانواده و همسر درست و حسابی ندارند، و هم کاری که حقوق مکفی داشته باشد، در اختیارشان قرار نمی‌گیرد.



سپس برادر شوهر خواهرم ادامه داد: مثلاً همین اداره ما (پولیس اطلاعات و امنیت عمومی فاتب) از این دختران و زنان به‌عنوان طعمه برای نفوذ به شرکت‌های هرمی (گلدکوئستی)، خانه‌ها، باندهای فساد و فحشا، شناسایی دختران فراری و معتاد در پارک‌ها و خیابان‌ها و ... استفاده می‌کند، و چون خودشان قیافه آن‌چنانی دارند، کسی به آن‌ها شک نمی‌کند، ولی چون شخصیت سالمی ندارند، و به خاطر پول این کارها را می‌کنند، باید دائماً تحت کنترل باشند، تا زیر آبی نروند و بخواهند ما را دور بزنند.

از ایشان سؤال کردم؛ خوب این‌هائی که گفتی کارشان جاسوسی و خبرچینی است، چه ربطی دارد که در مراسم تظاهرات حکومتی شرکت می‌کنند؟ و عکس امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای را بالا می‌برند و در مصاحبه‌های تلویزیونی حرف‌های حکومت را می‌زنند؟!

ایشان گفت: اداره ما از این خواهران (کرایه‌ای) می‌خواهد که کار خبرچینی و اطلاعاتی انجام دهند، ولی نهادهائی مثل اطلاعات سپاه، یا وزارت اطلاعات، یا حتی حراست صداوسیما، بنا به اهدافشان می‌توانند از این افراد در جهت انجام مقاصد سیاسی و عقیدتی استفاده کنند.



کافی است قبل از مراسم یک برگه نوشته به آن‌ها بدهند، و از آن‌ها بخواهند که آن را حفظ کرده، و سپس جلوی دوربین صداوسیما تکرار کنند، و این‌طور به بیننده القا کنند که زنانی با قیافه‌های آن‌چنانی هم طرفدار حکومت هستند.

جناب سروان، در ادامه گفت: همان‌طور که بسیج یا سپاه از ارادل و اوباش معروف و شناسنامه دار به‌عنوان لباس شخصی و چماق‌دار استفاده می‌کنند، از بین این زنان ویژه هم می‌توانند جهت مقاصدشان استفاده کنند. در انتها ایشان به من پیشنهاد کرد از این‌گونه زنان دوری کنم، چون هم خودشان خطرناک هستند، و هم معمولاً چند لات و لوت به‌عنوان محافظ همیشه همراه این‌ها هستند، که مصونیت قضائی هم دارند، و از کشتن کسی هم باکی ندارند.



به‌این ترتیب، سرکوب سینماتیک زنان و مردسالاری و قوانین مذهبی حکومت اسلامی و همچنین بیکاری، گرانی و تورم، همگی دست به دست هم داده‌اند و زندگی بسیاری از انسان‌ها و خانواده‌های فقیر و محروم را دچار انواع معضلات و مشکلات و آسیب‌های اجتماعی فزاینده‌ای کرده‌اند.

زنان خیابانی؛ این واژه‌ای است که کم و بیش آن را شنیده‌اید حتی ممکن است خودتان هم در گوشه و کنار این شهر، بالا یا پائین فرقی نمی‌کند در هر محله‌ای آنان را دیده و یا شنیده باشید.

اما حکومت اسلامی و نهادهای مسؤول آن به جای این که امنیت زیست و زندگی این زنان و یا کودکان کار و خیابان را تأمین کنند برخوردهای امنیتی با آن‌ها دارند. آبان‌ماه سال گذشته برخورد با زنان خیابانی در دستور کار دولت و نیروی انتظامی قرار گرفت و این موضوع در طرح امنیت محله‌محور مطرح شد به‌طوری که فرمانده

نیروی انتظامی تهران بزرگ، اعلام کرد در صورتی که هر یک از این زنان مشاهده شوند پولیس بدون هیچ اغمازی با آنها برخورد خواهد کرد، اما همچنان در زیرپوست شهر شاهد حضور زنان ناچار تنفروش هستیم. به باور اکثر کارشناسان اجتماعی مسأله کسب درآمد، نیازهای جنسی، فقر و ازدواج‌های اجباری و گاهی ناراحتی‌های روحی و روانی، از مهم‌ترین دلایل این ناهنجاری اجتماعی به‌شمار می‌آید؛ معضلی که متأسفانه زنان متأهل خانواده‌های فقیر را هم با خود همراه کرده است به‌گونه‌ای که بر اساس آمار موجود که مدیرکل امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی اعلام کرده، بیش از ۵۰ درصد کارگران جنسی در تحقیق صورت‌گرفته زنان متأهل هستند که اغلب از طبقه متوسط جامعه هستند.



حبیب‌الله فرید با تاکید بر لزوم توسعه خانه‌های سلامت، بر این باور است که باید به سمت ارائه خدمات جامع و توانمندسازی زنان حرکت کرد و تدوین یک پروتکل برای توانمندسازی زنان ویژه و کارگران جنسی در این زمینه الزامی است.

دکتر مجید ابهری، متخصص علوم رفتاری و آسیب‌شناسی اجتماعی در گفتگو با «جوان‌آنلاین» می‌گوید: کاهش سن روسپی‌گری در دهه اخیر باعث شده حداقل سن روسپیان به ۱۷ سال برسد البته بعضی از کارشناسان ۱۲ سال را نیز سن آغاز خودفروشی اعلام کرده‌اند که مبنای علمی- پژوهشی ندارد؛ ممکن است یک یا دو روسپی ۱۲ تا ۱۴ ساله ملاحظه شود اما نمی‌توان آن را ملاک ارزیابی این آسیب اجتماعی قرارداد.

به گفته وی، از آنجا که روسپی‌گری در ایران دارای مجازات قانونی است اعلام حتی یک آمار تقریبی در مورد آن منطقی به‌نظر نمی‌رسد البته نهادهای مرتبط تعداد خودفروشان در تهران را حدود ۱۲۰۰ نفر اعلام کرده‌اند اما با توجه به خودفروشان مخفی، یعنی کارگران جنسی تلفنی و آن‌ها که در خانه‌ها و عسرتکده‌های خصوصی به تنفروشی مشغول هستند باید مورد ارزیابی مجدد قرار بگیرند که تصور می‌کنم حدود ۲ هزار نفر برای تهران بزرگ عدد درستی باشد چرا که اغراق در مورد این‌گونه آمارها نه تنها راهگشا و حلال مشکلات نیست، بلکه باعث ایجاد اضطراب اجتماعی و التهاب فکری در جامعه می‌شود.



دکتر ابهری، در پاسخ به این سؤال که آیا فرد روسپی مجرم است یا بیمار روانی، معتقد است که فرد روسپی نه مجرم است نه بیمار، بلکه یک قربانی بی‌سامانی اجتماعی است؛ اگر در میان خودفروشان یک پژوهش رفتاری انجام شود ملاحظه می‌کنیم که خودفروشان سه گروه هستند، یک گروه که در ردیف دختران فراری و زانی هستند که به هر دلیل از خانه و کاشانه خود گریخته و در دام باندهای مافیای فرهنگی و اخلاقی گرفتار شده و از طریق آن‌ها به کارگران جنسی تبدیل گردیده‌اند.

این آسیب‌شناس اجتماعی گروه دوم را شامل زنانی می‌داند که از روی نیاز مالی اقدام به این حرکت غیراخلاقی می‌کنند که صدا البته پذیرفتن این دلیل مقدر نیست چرا که بسیاری از زنان نیازمند به خاطر پاک‌نگه داشتن دامن عفت خود کارگری را انتخاب کرده...

وی بر این باور است که گروه سوم مشمول زنانی است که اشباع‌ناپذیر جنسی هستند و به‌خاطر بیماری جنسی به خودفروشی مشغول می‌شوند...







در عین حال خشونت به زنان پدیده‌ای جهانی است ریشه در اهداف و حاکمیت توحش سرمایه‌داری دارد، از جمله براساس آمار بهداشت جهانی در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد خشونت و بدرفتاری قرار می‌گیرد. همین‌طور براساس آمار و بررسی در سطح جهان ۱۰ تا ۵۰ درصد به نحوی مورد بدرفتاری فیزیکی همسران‌شان قرار دارند.

اما خشونت در کشورهایی که قوانین مذهبی و مردسالاری در خصومت و دشمنی با آزادی و برابری زن در جریان است صورت مسئله به کلی تغییر می‌کند و ابعاد وحشتناکی دارد. از جمله یک مرکز دائمی خشونت علیه زن در جهان ایران و برخی کشورهای عربی است.

در حکومت اسلامی ایران، این مسئله ابعاد فاجعه‌باری به خود گرفته است و تاریخی نسبتاً طولانی نزدیک به سی و هشت سال دارد. بنابراین، منشا و پایه ستم و خشونت بر زنان و مردم ایران، ریشه در اهداف و سیاست‌ها و قوانین حکومت اسلامی دارد.

آزار و اذیت زنان، یک هویت برجسته و معروف حکومت اسلامی ایران است که به قانون نیز تبدیل شده‌اند. می‌دانیم دستگاه قضائی و ماشین سرکوب حکومت در خدمت اجرای قوانین ضد زن، به‌طور سیستماتیک در جریان است. به همتی دلیل، نمی‌توان گفت ابعاد خشونت علیه زنان ایران را با زنان کشورهای دیگر مقایسه کرد و آمار و ارقامی داد. موضوعی روزمره است که جریان دارد و زنان در ایران مورد سرکوب و خشونت هر روزه دولتی قرار دارند.

زنان ایران، از ابتدائی‌ترین حقوق اجتماعی و مدنی خود مانند حق طلاق و نگهداری از کودک و سفر و غیره محروم‌اند. و بسیاری نیز قربانی می‌شوند.





با توجه به همه مسائلی که بدان‌ها اشاره کردیم هرگونه شرکت در نمایش مسخره حکومت اسلامی ایران، توهین به خود و کل جامعه است از این‌رو، نباید اجازه داد حکومت اسلامی، از زنان و یا مردان آزاده ایران، به‌عنوان سیاهی لشکر و پرده‌پوشی بر دیکتاتوری و استبداد مطلق خود، در نزد افکار عمومی ایران و جهان سوءاستفاده سیاسی کند. یکشنبه هفدهم اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۶ - هفتم مه ۲۰۱۷